



ISSN Print: 2394-7500  
 ISSN Online: 2394-5869  
 Impact Factor: 5.2  
 IJAR 2019; 5(10): 229-233  
 www.allresearchjournal.com  
 Received: 04-08-2019  
 Accepted: 06-09-2019

پوهنيار جمعه خان سلیمی  
 ديپارتمنت تاريخ دانشكده تعليم و  
 تربيه  
 پوهنتون تخار

## سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان میان سالهای (1992-2001) میلادی

پوهنيار جمعه خان سلیمی

### خلاصه

سیاست خارجی دولت ها تابع اهداف ملی و منافع ملی شان است « منافع ملی چراغ راهنمایی سیاست خارجی دولت ها است » دولت ها بر اساس تعریف منافع ملی اهداف ملی و یا تعریف دوست و دشمن خود دکتترین سیاست خارجی خود را دنبال می کنند. به عبارت دیگر دولت ها بر اینکه در ثبات بسر ببرند همواره رقیبان خود را دچار بی ثباتی و نا امنی میسازند. حکومت پاکستان هم در چارچوب همین تیوری در مقابل افغانستان، سیاست خارجی خود را دنبال می کند. دولت نظامی پاکستان همواره در بی ثباتی و نا امنی و حمایت از گروه های تروریستی در افغانستان و مرز های هندوستان متهم شده است. دولت پاکستان منافع زیاد در افغانستان دارد، چون عمق استراتژی خود را در افغانستان دنبال می کند. همچنان منافع استراتژیکی پاکستان در افغانستان معنا پیدا می کند و جلوگیری از نفوذ دهلی نو در کابل یکی از ابعاد منافع استراتژیکی پاکستان است.

سیاست خارجی پاکستان را نظامیان و سازمان استخباراتی آن (آی.اس.آی) طرح می کند، نقش سیاسیون غیر نظامی در سیاست خارجی پاکستان خیلی اندک است. به قول خانم بینظیر بوتو استخبارات پاکستان آنقدر قدرتمند است که می توان گفت دولتی در درون دولت است. اگر آی.اس.آی نبود پاکستان در میانه جنگ سرد فرو مییافت به همین لحاظ سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان همواره یک سیاست استخباراتی بوده است. واژه های کلیدی: افغانستان، پاکستان، مجاهدین، طالبان.

### مقدمه

افغانستان کشوریست که تقریباً سابقه تاریخی پنج هزارساله دارد، در طول عمرش بنام های مختلف چون قلب آسیا، نقطه تقاطع جاده ابریشم، دروازه هند، چهار راه تمدنها، بام دینا و غیره یاد شده است.

افغانستان از یک موقعیت استراتژیکی و سوق الجیشی خاصی برخوردار است. بنابر همین موقعیت جغرافیایی اش همواره دست خوش بازی کشورهای بزرگ استعماری جهان شده، هر کدام به نوبه خود این کشور غم زده را شکار نمودند اما در آخر لامر به شکست مواجه شده برگشته اند. پاکستان هم از این قطار عقب نمانده، چشم طمع خود را بالای افغانستان دوخته، از هر گونه امکانات و توانمندی که در اختیارش قرار داشت، در تضعیف و بحرانی ساختن اوضاع کشور افغانستان دریغ نورزیده است.

بدین ملحوظ خواستم مقاله تحقیقی حاضر خود را پیرامون ( سیاست خارجی پاکستان در قبال بحران افغانستان طی سال های 1992-2001 م ) به تحریر در بیاورم.

همچنان عملکرد پاکستان را در قبال بحران افغانستان میان سالهای 1992-1996 م که پاکستان چگونه به دولت مجاهدین کمک کرده و چگونه در تضعیف حکومت مجاهدین نقش داشته است به بررسی گرفته، بحث ظهور، حاکمیت طالبان و نقش پاکستان در ایجاد پروژه طالبان از مبحث مهم این مقاله تحقیقی می باشد.

در تدوین این مقاله مهم تحقیقی از منابع معتبر علمی به روش تحقیقی کتابخانه ای و مطالعات علمی استفاده شده است.

Corresponding Author:  
 پوهنيار جمعه خان سلیمی  
 ديپارتمنت تاريخ دانشكده تعليم و  
 تربيه  
 پوهنتون تخار

### پیدایش وبه وجود آمدن پاکستان

تمام شبه قاره هند حکم روایی کردند. اما این امپراطوری کهن زمانیکه بابتی ها در هند راه پیدا نمودند به مرور زمان قدرت را به دست گرفتند و توانستند یک دولت مقتدر و قوی در شبه قاره هند ایجاد نمایند. طی قرن های شانزدهم و هژدهم میلادی تقریباً بر

سال که طی دو قرن در شبه قاره هند سیطره داشت با ظهور امپراطوری چون نادر افشار در ایران و امپراطوری ابدالی ها در قندهار از سلطه و قدرتش کاسته شد و آهسته آهسته امپراطوری افشار بر قسمت از شبه قاره هند مسلط میشد و بعد از بدست آوردن اموال غنیمت به سمت ایران عزیمت می نمود. بعد از امپراطوری نادر افشار نوبت به امپراطوری ابدالی ها رسید، این ها هم به نوبه خود از لشکر کشی به سوی هند دریغ ننموده و قسمت از نیم قاره هند را متصرف شدند ولی این امپراطوری هم به نوبه خود دوران زوال خود را سپری نموده نفوذ و سلطه اش از شبه قاره هند کاسته شده و زمینه نفوذ استعمار گران خارجی به خصوص انگلیس ها در هند مساعد گردید.

طی سالهای 1500 تا 1600 میلادی کشور های هالند، اسپانیا، پرتگال، فرانسه، دانمارک و آلمان شرکای اصلی تجارت با شبه قاره هند محسوب می گردیدند. اما در سال 1600 میلادی اولین شرکت تجاری بریتانیای کبیر تحت عنوان (کمپنی هند شرقی) رسماً در هند اجازه نامه تجاری از دولت هند دریافت نمود، در سال 1700 میلادی شرکت های انگلیسی در یک توافق «شرکت متحده هند شرقی» را تاسیس نموده و امتیازات انحصاری تجارت با هند را بدست آورد (6:65).

بعد از تضعیف حکومت ها و مهاراجه نشین های سرزمین هندوستان توسط بریتانیای کبیر و پیشرفت بر شبه قاره هند در تمام دوران استعمار ادامه داشت. اما متأسفانه بر اثر عدم سازماندهی و عدم وجود ساختار تشکیلاتی و سازمانی تا سال 1928 میلادی کار از پیش نبرد. در سال 1928 میلادی حزب کنگره ملی هند با نیم میلیون عضو به رهبری مهاتما گاندی رهبر فقیر استقلال شبه قاره هند فعالیت های جدید را آغاز نمود و در مدت زمان بسیار کم توانست کشورش را از تحت مستعمره انگلیس رها سازد (6:95-96).

انگلیس ها در سال 1947 میلادی هند بریتانوی را از قشون خویش تخلیه و توسط راه های بحری و هوایی همه نیرو های نظامی خویش را فرا خواند و مردمان شبه قاره هند که از لحاظ مذهبی و عقیدوی اکثریت آنها را هندو ها و مسلمانان تشکیل می نمود، روی همین تقسیم بندی مذهبی در سال 1949 میلادی از تنش های مسلحانه میان هندو ها و مسلمانان به دو کشور جداگانه یعنی هند و پاکستان منقسم گردید (8:2).

### عملکرد پاکستان در بجران افغانستان میان سالهای (1992-1996)

#### نقش پاکستان در بوجود آمدن ائتلاف هفت گانه

با کودتای حزب دموکراتیک خلق در ثور 1357 هجری شمسی هسته ای از رهبران نهضت اسلامی که در پشاور به حالت تبعید بسر میبردند، فعالیت خود را آشکار، علنی و گسترده ساختند. جمعیت اسلامی تحت رهبری برهان الدین ربانی و حزب اسلامی تحت رهبری گلبدین حکمتیار دفاتر احزاب خود را در پشاور گشودند.

با گذشت هر روز به تعداد کسانی که به نام اخوانی و مرتجع از سوی دولت حزب دموکراتیک خلق مورد آزار و اذیت قرار گرفته و به پاکستان فرار می کردند افزوده می شد. این افراد بیشتر از مکاتب، دانشگاه، مؤسسات آموزشی و دوایر دولتی بودند که کار احزاب مذکور با ورود آنها رونق بیشتر می یافت و لانه ای فعالیت شان گسترده تر می شد. این احزاب در هفته اول حاکمیت حزب دموکراتیک خلق در تدارک قیام مسلحانه شدند و اولین قیام در مناطق از ولایت پکتیا و کنر ها صورت گرفت.

با ایجاد دفاتر جداگانه ی حزبی اسلامی و جمعیت اسلامی در پشاور فعالیت ناهماهنگ آنها علیه دولت کابل، تلاش زیاد برای اتحاد احزاب مذکور صورت گرفت. این تلاش ها که از طرف رهبران احزاب اسلامی پاکستان و افسران آی.اس.آی و برخی افراد و سازمان های اسلامی ممالک عربی تا 20 سال دیگر هم ادامه یافت، نتایج مثبت و پایدار را در وحدت هردو حزب اسلامی و جهادی بار نیاورد.

با تجاوز شوروی به افغانستان و سرانیز شدن صدها هزار افغان به پاکستان که سبب جلب و جذب کمک های وسیع بین المللی برای مقاومت گردید، بازار تشکیل و تاسیس احزاب در پاکستان رونق یافت. احزاب و تنظیم های زیادی در گوشه و کنار پاکستان عمدتاً در شهر های پشاور اعلان موجودیت نمودند. از میان این احزاب، هفت حزب: حزب اسلامی حکمتیار، حزب اسلامی خالص، جمعیت اسلامی، اتحاد اسلامی، حرکت انقلاب اسلامی، محاذ ملی اسلامی و جبهه ملی نجات اسلامی توسط پاکستان مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفت. به همین ترتیب این هفت حزب در سال 1361 هجری شمسی ائتلاف جدیدی را به نام «اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان تشکیل کردند که به اتحاد هفت گانه معروف شد

### نقش پاکستان در بوجود آمدن حکومت مجاهدین

در مبحث گذشته راجع به شکل گیری احزاب جهادی پشاور و یا نهضت مقاومت معلومات حاصل کردیم که بعد از کودتای داوود خان و بقدرت رسیدن آن بر اریکه قدرت، هسته ی نهضت مقاومت کاشته شد. آهسته آهسته زمان حکومت داوود خان و از آن گذشته در زمان رهبران حزب دموکراتیک خلق نخبگان، دانشمندان و عالمان علوم اسلامی تحت پیگرد قرار گرفتند. فلذا بنای مهاجرت آغاز شده، تعداد از شهروندان افغانستان کشور خود را ترک نموده و به دیار غربت مهاجرت ورزیدند. به همین ترتیب احزاب سیاسی جهادی در پاکستان در حالت تبعید تشکیل گردید (7:156).

در سال 1990م بینظیربوتو صدراعظم پاکستان که میخواست کشورش را از جنجال مهاجران افغان نجات دهد، طرحی را پیشنهاد نمود که حکومت نجیب الله با قوای مقاومت ائتلافی را بدون جنگ و خونریزی بوجود بیاورند که در رأس آن محمد ظاهرشاه قرار داشته باشد، اما مقامات نظامی و جماعت اسلامی پاکستان با آن مخالفت ورزیده او را مجبور نمودند که از طرحش کنار رفته و مسیر نظامی قضیه را دنبال کند (17:215).

با فرا رسیدن مخالفین دولت کمونیستی کابل به پاکستان از قبیل حکمتیار، ربانی، مجددی، مولوی یونس خالص، مولوی منصور، عبدالرب رسول سیاف، پیرسید احمد گیلانی، مولوی نبی محمدی، مولوی مؤذن، احمدشاه مسعود، و ... نهضت مقاومت از یکسو پله های ترقی و قدرت طلبی را طی میکرد و

از سوی دیگر و با توجه به الزامات جهاد و مبارزه هر چه بیشتر در دام سیاست های زیرکانه، هوشمندانه و منجش گرایانه پاکستان و به دیده ارتش و آی . اس . آی پاکستان گیرمیاقتادند. اولین سازمان نهضت مقاومت با حمایت جدی و فعال جنرال ضیالحق در پاکستان بوجود آمد. جنرال ضیالحق به دنبال کودتای نظامی و تعطیل دموکراسی در پاکستان به قدرت رسیده بود طی سالهای آینده نقش کلیدی و فوق العاده حائز اهمیت در بحران افغانستان بازی کرد . احزاب جهادی سیاسی کاملاً تحت نظر ارتش و آی . اس . آی و شخص جنرال ضیالحق و رئیس آی . اس . آی جنرال اختر عبدالرحمن بوجود آمدند (156:7).

بعداً دولت مردان پاکستان در فکر آن شدند تا چگونه بعد از سقوط دولت کمونیستی در کابل یک دولت ضعیف و همسو با سیاست پاکستان بوجود آید تا اینکه مانند گذشته از یک سو دچار مناقشات مرزی با افغانستان نباشد. و از طرف دیگر در تشنجات مرزی با کشور هندوستان از طرف افغانستان که همواره با هندوستان روابط دوستانه داشت دچار مانورهای سیاسی - تبلیغاتی نگردد . پس به همین ترتیب اساس دولت مجاهدین در پاکستان تشکیل گردید (163:6).

نقش پاکستان در بی ثباتی دولت مجاهدین :  
اولین دولت مجاهدین که قدرت را در کابل از دولت حزب دموکراتیک خلق تحویل گرفت، در «گورنر هاوس» پیشاور تشکیل شد. در مذاکره و توافق احزاب هفتگانه مجاهدین در پاکستان، نواز شریف صدراعظم پاکستان و ژنرال جاوید ناصر رئیس آی . اس . آی . سهم گرفتند. آنها در آخرین دور مذاکرات رهبران تنظیم های هفتگانه مجاهدین بر سر توافق و اعلان حکومت انتقالی بروز 24 اپریل 1992م در پشت درهای بسته مشارکت داشتند.

بعداً گفتگوهای طولانی خبرتوافق رهبران احزاب برسر تشکیل حکومت انتقالی قدرت را از دولت حزب دموکراتیک خلق در کابل تحویل گرفتند.

بنابر این دولت مجاهدین متشکل از گروهها و نیروهای نا همگون، نا عاقبت اندیش و متفاوت بود. که در طول حیات این دولت پیوسته مواضع متضاد اتخاذ میکردند و در مقاطع مختلف موضوع خود را از دوستی به دشمنی و از دشمنی به دوستی تغییر میدادند. یقیناً در چنین اوضاع و شرایط مداخله برای پاکستان در جهت تضعیف و فروپاشی این دولت بسیار آسان و مساعد شمرده می شد. پاکستان بدون هیچ مداخله و تردید به این دخالت از نخستین ایام تشکیل دولت مجاهدین دست و پا زده پیوسته به میزان این دخالت افزود (419:1).

### عملکرد پاکستان در بحران افغانستان میان سال های(1996-2001 م)

#### عوامل شکل گیری طالبان

کسانی که جریانات سیاسی افغانستان را از کودتای ثور 1357 هـ ش تا امروز مشاهده کرده بودند، بخوبی می دانند که هیچ جریان و یا حرکت نظامی که در افغانستان بوجود آمده بدون پشتوانه خارجی ممکن نبوده است. این جریانات تا زمانی به بقا و موجودیت خویش در صحنه بحران افغانستان ادامه داده اند که از حمایت خارجی ها برخوردار بوده اند و زمانی که حمایت این دست های بیرونی ختم می شد چون حباب در تلاطم موج های بحران از هم پاشیده و از بین رفتند .

از حزب دموکراتیک خلق گرفته تا حزب اسلامی به رهبری حکمتیار که روزگار در جنگ علیه ارتش شوروی در افغانستان، بیشترین کمک های خارجی به آن تعلق می گرفت. اما بعضی دیگر از احزاب و یا تنظیم های مجاهدین که امروز با پایان گرفتن حمایت خارجی، از آنان جز نام چیز دیگر باقی نمانده است. ظهور طالبان هم در صحنه سیاسی افغانستان از این قاعده مستثنی نیست. و اولین کسی که صدای اعتراض را علیه طالبان بلند کرد آقای حکمتیار بود. زمانیکه قندهار بدست طالبان فتح گردید البته در سال 1373 هـ ش چنین گفت : "حرکت طالبان توطئه خارجی است که بوسیله یک تعداد ملیشه های مزدور براه افتاد و هدف آن، از میان برداشتن مجاهدین است" طالبان حقیقی مردم خوب و متعهد به جهاد اند. آشوب گران ، گروه اصلاح طلبان ، دشمنان جهاد اند. طرح و پلان این حرکت توسط یک کشور خارجی و سفیر اسبق انگلستان در اسلام آباد پی ریزی شده و یک کشور به اصطلاح اسلامی آن را تمویل می کند (20-19:21).

### نقش پاکستان در بوجود آمدن حکومت طالبان

#### 1- نقش خام بینظیر بوتو:

اگر ما به موقعیت جغرافیایی پاکستان نظر اندازیم پاکستان از شرق به هند و از جانب شمال الی شمال غرب به افغانستان هم سر حد می باشد.

پاکستان از زمان بسیار طولانی همراه با هند در رقابت قرار داشت. بوتو که برای بار دوم به حیث صدراعظم پاکستان برگزیده شده بود به تنهای نمی توانست مشکلات بین دو کشور را حل نماید. در شمال غرب امکانات دست یابی برای تجارت بوجود آمده بود. بوتو می خواست که پاکستان را به مرکز تجارت بین آسیا و اروپا تبدیل کند.

بوتو فکر کرد دست یابی به راه های تجارتی اقتصاد پاکستان را بالابرد و جایگاه آن کشور را در منطقه تأمین خواهد نمود. ولی خوب می دانست که واردات و صادرات اموال این را از طریق پاکستان با آسیای میانه و از آنجا به پاکستان سود بی شمار کسب خواهد نمود اما زمانیکه بوتو و مشاورانش به نقشه نگاه نمودند در میان پاکستان و آسیای میانه افغانستان را دیده اند که در گیر جنگ بوده که توسط استخبارات خود پاکستان دامن زده می شد.

بوتو یک کمیسون مرکب از ادارات مختلف که با افغانستان سروکار داشته تشکیل داد. در جلسه که ریاست را بوتو رهبری می کرد و بابر نیز وجود داشته که پوست وزارت داخله پاکستان را رهبری می نمود. بابر درین جلسه گفت که پاکستان به کابل نیازی ندارد و پاکستان می تواند تجارت با آسیا میانه را از خاک قندهار و هرات شروع نماید که مورد پسند بوتو قرار گرفت. بعداً بوتو هدایت داد که در بدل پرداخت پول به قوماندانان محلی یک راه تجارتی از طریق جنوب به آسیای میانه باز شود و ISI به آن اعتراض نکرد.

بابر وظیفه عملی ساختن این طرح را به عهده گرفت. او در اوسط ماه اکتوبر 1994م یک کاروان تجارتی حامل تکه های پاکستانی را از کوئته به جنوب ترکمنستان گسیل نمود (18).

#### 28-82)

بعد از فراهم شدن مقدمات حرکت تجارتی پاکستان از مسیر کوئته، قندهار، هرات، ترکمنستان خام بینظیر بوتو نخست وزیر وقت پاکستان در عشق آباد در دیدار با اسماعیل خان و

عبدالرشید دوستم از هر دوی آنها برای حفاظت از این کاروان قول همکاری گرفت (7: 199).

### نقش پاکستان در حاکمیت طالبان:

اگر ظهور طالبان در عرصه تحولات سیاسی و نظامی افغانستان ناشی از جنگهای تنظیمی مجاهدین، انارشی و بی نظمی در کشور بخصوص در مناطق جنوب باشد، گسترش توانایی و نظامی آنها تا رسیدن به کرسی اقتدار در کابل، بدون تردید محصول دخالت و حمایت پاکستان بود. دخالت و حمایت که تأیید ایالات متحده امریکا و همکاری عربستان سعودی و سایر متحدین اعراب و اروپای امریکا و پاکستان را با خود داشت (1: 428).

درست است که رهبران تنظیم های جهادی زمانیکه بر اریکه قدرت تکیه زدند. نتوانستند یک حکومت که قناعت مردم را فراهم نموده باشد، امنیت سرتاسری را تأمین کرده، ایجاد نمایند و از سوی دیگر عدم هماهنگی میان بعضی از سران جهادی در تشکیل یک دولت فراگیر ملی، توسعه نیافتگی و ساختار قبیله ای جامعه افغانستان، ادامه بحران و نا امنی، جنگ ها و کشمکش ها میان سران تنظیم های جهادی بر سر تقسیم قدرت، ... و حکومت ملوک الطوائفی در هر گوشه و کنار افغانستان را همه و همه عوامل بودند که دست به دست هم داده تا زمینه ظهور طالبان را مساعد سازند. اما در ایجاد این نیرو نقش کشورهای غربی، عربستان و امارات متحده عربی، کشورهای حاشیه خلیج و بخصوص کشور پاکستان را نباید نادیده گرفت.

طوریکه آقای اندیشمند به نقل از آنتونی دویز مینویسد: " در مدت کوتاه تعداد طالبان به سرعت چندین برابر شد و از یک نیروی کمتر از صد نفر به یک نیروی چند هزار نفری نهایتاً در اواخر سال 1996م به نیروی حد اقل با 30 - 35 هزار سرباز و یک سیستم کار آمد و ساختار نظامی شدید تبدیل شد. این نیروی مجهز به زره پوش، توپخانه قوی، یک نیروی هوای کوچک، یک شبکه ارتباطی قوی و یک سیستم اطلاعاتی. مهارت های سازمانی و امکان لجستیکی لازم برای گرد آوری، گسترش و نگهداری یک چنین ماشین جنگی یک پارچه ای در زمان شدت خصومت ها، چیزی نیست که از مدرسه های پاکستان یا قریه های افغانستان برخاسته باشد. حمایت آشکار پاکستان، تأثیر اساسی در گسترش طالبان و تبدیل آنها به یک نیروی منطقه ای و ملی داشت (1: 428-429).

### نتیجه گیری

به اساس آثار، شواهد، اسناد و مدارک که بدست آمده چنین نتیجه گیری میشود که پاکستان استراتژی خود را از بد و تاسیس اش تا اکنون در قبال بحران افغانستان به رنگ های مختلف به نمایش گذاشته است.

پاکستان زمانیکه در سال 1947 م استقلال خود را بدست آورد به پیمان ناتو و ویوست؟ از حمایت یک متحد قوی در منطقه برخوردار شد.

در زمان تهاجم شوروی به افغانستان، پاکستان از نقطه نظر موقعیتش مورد دلچسپی متحدانش قرار گرفته، با متحدانش یکجا وارد صحنه عمل شدند.

استراتژی و سیاست پاکستان در این زمان یک نوع سیاست حمایتی بوده، از نهضت مقاومت مجاهدین پشتیبانی کرده آنها را تحت پوشش کمک های خود قرارداد و بر علیه شوروی از نهضت و مقاومت مجاهدین استفاده نمود.

بعد از اینکه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان خارج شدند و قدرت بدست مجاهدین افتاد. پاکستان در امور داخلی افغانستان مداخله نموده و با تحرک، وسواس و حیل های خود در میان تنظیم ها اختلافات را به وجود آورده این اختلافات چنان شدت پیدا نمود که هرگز، مجاهدین توان قدرتمندی را در خود احساس نکرده و در ضمن درد سری برای پاکستان ایجاد نکند که این آرزوی پاکستان بود.

در نتیجه جنگ های که میان این تنظیم ها به وجود آمد منجر به ویرانی افغانستان شد.

اما در زمان طالبان سیاست پاکستان شکل دیگری را بخود اختیار نمود. پاکستان و متحدانش می خواستند که بر مناطق نفت خیز آسیای میانه دسترسی پیدا نمایند. در فکر آن شدند که تا از کدام طریق این سرمایه بزرگ در دسترس آنها قرار بگیرد.

یگانه مسیر کم هزینه افغانستان بود که از طریق کوئته، قندهار و هرات رفته به آسیای میانه و مرکزی برسند.

بنابراین دولت مجاهدین در سر راه آنها قرار گرفته بود. آنها بخاطر تطبیق اهداف خود نیروی را تحت ترتیب قرارداد دادند تا بتوانند از این نیرو در سرنگونی دولت مجاهدین استفاده کرده و راه را برای مقاصد خود هموار نمایند.

این نیرو که طالبان بود به کمک پاکستان و متحدانش در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان وارد عمل شده، بازم اوضاع افغانستان را بحرانی تر ساختند.

در اخیر گفته میتوانیم که پاکستان هیچ گاه نخواسته است که افغانستان یک کشور متمدن، آباد و قدرتمند در میان کشورهای جهان باشد.

### منابع و مأخذ

1. اندیشمند، اکرام. (1385). ما و پاکستان. کابل: انتشارات پیمان.
2. اندیشمند، اکرام. (1383). سالهای تجاوز و مقاومت. کابل: انتشارات پیمان.
3. انصاری، خواجه بشیر احمد. (1385). افغانستان در آتش نفت حقایق که نا گفته ماند. کابل: انتشارات میوند.
4. بیگی، عبدالروف. (1379). افغانستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط شمال بدست طالبان. انتشارات بلخ.
5. جعفری، مهندس عباس. (1384). گیتاشناسی نوین کشورها. تهران: انتشارات موسسه جغرافیای گیتا شناسی.
6. حقجو، میر آقا. (1384). افغانستان و مداخلات خارجی. کابل: انتشارات میوند.
7. دانش بختیاری، محمد قاسم. (1381). بررسی مقایسه ای سیاست خارجی ایران و پاکستان در قبال افغانستان. تهران: انتشارات آیدا.
8. سعیدی، احمد. (1386). پاکستان محور شرارت. کابل: انتشارات مطبوعه آزادی.
9. سیستانی، محمد عظیم. (2000م). مقدمه یی بر کودتای ثور و پیامد های آن در افغانستان. کابل: انتشارات اداره دارالنشر افغانستان.
10. عبدالباقی، مصباح الله. (1385). افغانستان پس از 11 سپتامبر. مترجم، عبدالصبور مخزی کابل: انتشارات رسالت.
11. عطایی، محمد ابراهیم. (1384). نگاهی مختصر به تاریخ معاصر افغانستان. کابل: انتشارات میوند.

12. غبار، میر غلام محمد. (1383). افغانستان در مسیر تاریخ . ایران: انتشارات جمهوری اسد.
13. فرزاد، احمد شاه و توریالی غیائی. (1380). مردی استوار و امید وار به افقهای دور. ایران: انتشارات دانشگاه فردوسی.
14. فریاد افغان، نجم الدین. (1384). نگرشی بر تاریخ معاصر افغانستان. پشاور: انتشارات بخش تخنیکي انجمن نشراتی دانش.
15. فرهنگ، میر محمد صدیق. (1371). افغانستان در پنج قرن اخیر. ایران: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
16. کاروال، میرصاحب. (1384). درسهای تلخ عبرت انگیز افغانستان. کابل: انتشارات میوند.
17. کبیر سراج، محمد نذیر. (1384). رویدادهای نیمه دوم سده بیست در افغانستان. کابل: انتشارات میوند.
18. کول، سنیو. (2001م). تاریخچه مداخلات « سی . آی . ای . ای . اس . آی . آی »، « کا . جی . بی » و استخبارات سعودی در افغانستان از تهاجم شوروی تا 10 سپتامبر 2001 م. مترجم، محمد اسحاق. (1386). کابل: انتشارات میوند.
19. نایب خیل، عتیق الله. (1387). قرار داد های افغانستان. کابل: انتشارات میوند.
20. مبارز، عبدالحمید. (1375). تحلیل واقعات سیاسی افغانستان (1919 – 1996 م). پاکستان: انتشارات میوند.
21. مژده، وحید. (1382). افغانستان پنج سال سلطه طالبان. تهران: انتشارات نشر نی .